

# تعیین نوع شرکت جدیدالتأسیس در تجزیه شرکت در مقایسه با تبدیل شرکت‌های تجاری

حمید ابهری<sup>۱</sup>  
رجبعلی گرجی مهلبانی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۳/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۲/۸

## چکیده

شرکت‌های تجاری در حقوق ایران در قالب‌های خاصی تشکیل یا تأسیس و شروع به فعالیت می‌نمایند. انحلال هر یک از انواع شرکت‌ها و تشکیل شرکت‌های جدید علاوه بر تحمل هزینه‌های فراوان متضمن رعایت تشریفات گوناگون و در نتیجه صرف وقت زیاد می‌باشد. یکی از آثار تجزیه، ایجاد شرکت یا شرکت‌های جدیدالتأسیس است. قالبی که شرکت‌های اخیر؛ در چارچوب آن باید به فعالیت تجاری بپردازند، در نوع مسئولیت شرکا، نحوه مراجعه طلبکاران به شرکت و شرکا و سهم یا سهم الشرکه دار شدن شرکا و ... مؤثر می‌باشد. در ماده ۵۹۷ لایحه ۱۳۹۱، صرفاً؛ نسبت به دو نوع شرکت یعنی شرکت تعاونی سهامی خاص و تعاونی غیرسهامی، به‌طور مجمل تعیین تکلیف شده است و در خصوص سایر شرکت‌ها، موضوع؛ مسکوت مانده است و در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. عدم پیش‌بینی قواعد کلی در خصوص تبدیل شرکت در قانون تجارت و لایحه اصلاحی آن و ابهام در خصوص قالب شرکت جدیدالتأسیس در نتیجه تجزیه، با علم به این موضوع که قالب تعیینی از حیث حقوق و تعهدات شرکت، سهامداران و اشخاص ثالث تأثیرگذار است، بررسی دقیق موضوع را از لحاظ حقوقی و رویه عملی می‌طلبد.

کلیدواژه‌ها: انواع شرکت، تجزیه جزئی، تجزیه کلی، شرکت جدیدالتأسیس.

## مقدمه

بود. در قانون تجارت ۱۳۱۱ و لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت نیز هیچ اشاره‌ای به این مطلب نشده است. در لایحه جدید قانون تجارت به موجب مواد ۵۹۲ به بعد، این نهاد حقوقی به رسمیت شناخته شده است. در ماده فوق، تجزیه به دو قسم جزئی و کلی منقسم شده است. واگذاری بخشی از اموال و دیون به یک یا چند شرکت جدید، تجزیه جزئی و واگذاری کلیه اموال و دیون شرکت به حداقل دو شرکت تجزیه کلی معرفی و اضافه شده است که در تجزیه کلی، شرکت تجزیه شونده شخصیت حقوقی خود را از دست می‌دهد. تقسیم تجزیه به کلی و جزئی و صراحت در بیان انتقال دیون و تعهدات و محو شخصیت حقوقی شرکت تجزیه شونده در تجزیه کلی از ناحیه تدوین‌کنندگان لایحه ستودنی است. همان‌گونه که از ماده ذکر شده مستفاد می‌شود، در تجزیه کلی، حداقل دو شرکت جدید و در تجزیه جزئی حداقل یک شرکت جدید به وجود خواهد آمد.

## انواع شرکت‌ها و منظور از هم‌نوعی آنها

اگر شرکت‌های جدیدالتأسیس از نوع شرکت تجزیه شده نباشند، این موضوع می‌تواند هم در حقوق اشخاص ثالث و سهامداران مؤثر بوده و هم مدیریت شرکت را نیز تحت تأثیر قرار دهد. به این دلیل، لازم می‌آید تدوین‌کنندگان لایحه مقرر نمایند؛ عدم هم‌نوعی شرکت جدیدالتأسیس با شرکت تجزیه شونده نباید مضر به حقوق اشخاص ثالث باشد. به این معنی که مثلاً اگر «شرکت سابقاً تضامنی بوده و در همان دوره دیونی داشته است، مسئولیت شرکا در پرداخت دیون مزبور تضامنی باقی می‌ماند؛ ولی نسبت به دوران بعد از تبدیل، فعالیت شرکت در قالب شرکت جدید خواهد بود» (اسکینی، ۱۳۷۵: ۴۲). با توجه به مطلب مذکور ابتدا به بیان انواع شرکت‌ها و سپس به مفهوم هم‌نوعی شرکت‌ها می‌پردازیم.

## انواع شرکت‌ها

## از منظر قانون

طبق ماده ۱۵ مصوب ۲۵ بهمن ۱۳۰۳، شرکت‌های تجاری بر سه قسم بودند: ۱- شرکت سهامی ۲- شرکت ضمانتی ۳- شرکت مختلط (تفرشی، ۱۳۷۸: ۱۵)؛ البته «در قانون ۱۳۰۳-۱۳۰۴، به وصف شخصیت حقوقی شرکت‌های تجاری، تصریح نشده بود» (ستوده تهرانی، ۱۳۸۸: ۱۵۵). در این قانون، با وجود اینکه قانونگذار با اقتباس از حقوق اروپا، عنوان شرکت تضامنی را برگزید؛ اما از پذیرش اصل مسئولیت تضامنی به دلیل نبود مجوز شرعی خودداری نمود (شیبانی، ۱۳۰۹: ۸۴). به عبارتی اگرچه قالب شرکت ضمانتی پذیرفته شده بود؛ ولی به تبعیت از فقه، مسئولیت نسبی ملاک عمل قرار می‌گرفت. در خردادماه ۱۳۱۰، قانون ثبت شرکت‌ها به تصویب رسید. به موجب ماده ۲ قانون اخیر، کلیه شرکت‌های ایرانی مذکور (سه نوع شرکت بیان شده در قانون ۱۳۰۳-۱۳۰۴) که در تاریخ اجرای این قانون موجود و مطابق مقررات قانون تجارت، راجع به ثبت و تطبیق تشکیلات خود با قانون مزبور عمل نکرده‌اند، باید تا آخر شهریور ماه ۱۳۱۰ تشکیلات خود را با مقررات قانون تجارت تطبیق نموده و مطابق قانون مزبور تقاضای ثبت کنند. با تصویب قانون تجارت

شرکت‌های تجاری یکی از ارکان توسعه و پیشرفت اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی در اکثر کشورها محسوب می‌شوند. اگرچه شرکت‌ها در بدو تشکیل به دنبال گسترش فعالیت و سرمایه‌گذاری و افزایش اعضاء می‌باشند؛ اما با توجه به وجود اختلاف بین شرکا و مدیران، به دلیل تعارض منافع و همچنین به لحاظ تخصصی شدن، تجزیه شرکت‌های تجاری؛ امری اجتناب ناپذیر می‌نماید. مطابق قانون تجارت و لایحه ۱۳۴۷، برای محو شخصیت حقوقی شرکت تجاری و تشکیل شرکت جدید، انحلال شرکت و تصفیه دارایی که هزینه بر و زمان بر است؛ الزامی می‌باشد؛ بنابراین تلاش قانونگذار جهت تدوین قانون است؛ زیرا از جمله مزایای نهاد مذکور، محو شخصیت حقوقی شرکت تجزیه شونده در تجزیه کلی و ایجاد و تشکیل هم‌زمان به محو شخصیت حقوقی در تجزیه کلی و انتقال دارایی و تعهدات در تجزیه جزئی می‌باشد. با گسترش این نهاد حقوقی، سؤالات زیادی مطرح می‌گردد. از جمله این سؤالات، نوع شرکت حاصل از تجزیه است. آیا منظور از هم‌نوع بودن، فقط؛ قالبی است که شرکت جدید در آن چارچوب تأسیس می‌شود؟ منظور از قالب مذکور، قالبی است که قانونگذار بیان نموده یا در بین حقوقدانان رایج و مرسوم است؟ به‌عنوان مثال، اگر شرکت تضامنی (شرکت اشخاص) تجزیه شود آیا شرکت یا شرکت‌های جدیدالتأسیس می‌توانند از نوع شرکت سهامی خاص یا سهامی عام (شرکت سرمایه) باشند؟ اگر چنین امکانی وجود داشته باشد چه تدابیری قانونی برای ازدیاد اعضاء و تعداد سهامداران و تغییر سهم‌الشرکه به سهام پیش‌بینی شده است؟ شرکت‌های با موضوع متفاوت ولی در یک قالب، هم‌نوع محسوب می‌شوند یا خیر؟ آیا با توافق بین اعضاء می‌توان مسئولیت شرکا را از تضامنی به محدود در حالی که به ضرر اشخاص ثالث است، نافذ دانست؟ با توجه به مطالب فوق، ابتدا به بیان تعریف تجزیه شرکت و در ادامه به بیان انواع شرکت‌ها و مفهوم هم‌نوعی شرکت جدیدالتأسیس با شرکت تجزیه شونده پرداخته و در نهایت به تغییر قالب شرکت‌ها بر مبنای لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ و لایحه ۱۳۹۱ خواهیم پرداخت.

## تعریف تجزیه

تجزیه در لغت به معنی «جزء جزء کردن و تبدیل یک جسم به چند جسم دیگر مانند تبدیل آب به اکسیژن و نیتروژن» آمده است (دهخدا، ۱۳۳۸: ۴۳۹). واژه تفکیک که همین معنی را می‌رساند به معنی جدا کردن است که این اصطلاح بیشتر برای زمین و اراضی ثبتی به کار می‌رود (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶: ۳۷۹).

برای اولین بار در قانون اصلاح موادی از قانون برنامه ۴ توسعه، مصوب ۸۳/۶/۱۱ از این واژه استفاده شده بود. مطابق بند ۱۷ ماده ۱ قانون مذکور، تجزیه؛ اقدامی که بر اساس آن یک شرکت ضمن محو شخصیت حقوقی خود دو یا چند شخصیت حقوقی جدید تشکیل دهد؛ تعریف شده بود. تعریف مذکور از این جهت که صراحتاً به محو شخصیت حقوقی در تجزیه کلی اشاره نموده، قابل تحسین بود؛ اما چون هیچ مطلبی در خصوص انتقال حقوق و دیون مطرح ننموده و متذکر تجزیه جزئی نشده بود، ناقص

اخذ شناسنامه برای انسان می‌دانند (عبادی، ۱۳۷۵: ۱۵۹). (ب) ثبت شرکت ملاک تشکیل و ایجاد شخصیت حقوقی: برخی از حقوقدانان، ثبت را به‌عنوان بهترین ملاک ایجاد شخصیت حقوقی می‌دانند (طباطبایی، ۱۳۷۳: ۲۸۸). (ج) راه حل بینابین: به‌موجب این نظریه وقتی شراکت نامه به امضاء مؤسسين رسید شرکت دارای شخصیت حقوقی می‌گردد؛ ولی زمانی شخصیت کامل می‌شود که برحسب قوانین مربوطه به ثبت برسد (ساکت، ۱۳۸۶: ۱۶۲؛ شایگان، ۱۳۴۳: ۱۲۲) در این خصوص گفته شده است «شرکت‌های مزبور از حین ایجاد واجد شخصیت حقوقی می‌شوند. مع‌ذلک وجود شرکت وقتی کامل می‌شود که بر طبق قانون تجارت و قانون ثبت شرکت‌ها به ثبت رسیده باشد» (بیکی حبیب آبادی، ۱۳۸۰: ۵۲). حال اگر شرکتی که در قالب تجاری در نیامده باشد ولی فعالیت تجاری انجام دهد، مواجه با تقسیم‌بندی دیگری به شرح زیر می‌شویم.

شرکت عملی و ثبتی: وضعیت حقوقی شرکت ثبتی پیچیدگی خاصی ندارد؛ اما در خصوص شرکت عملی آمده است «برخی معتقدند شرکت عملی یعنی شرکت مدنی که به فعالیت تجاری می‌پردازد؛ ولی خود را به شکل یکی از قالب‌های مندرج در ماده ۲۰ قانون تجارت در نیآورده است، این‌گونه شرکت‌ها فاقد شخصیت حقوقی بوده و تابع اصول و مقررات حقوق مدنی است؛ لذا از آنجا که تمام یا بعضی از شرکا یا نماینده مبادرت به عمل تجاری می‌نمایند؛ بنابراین اشخاص اخیر تاجر محسوب می‌شوند؛ ولی خود شرکت مدنی، تاجر محسوب نمی‌شود» (تفرشی، ۱۳۷۹: ۵۸)؛ اما برخی دیگر معتقدند اگر شرکت مدنی بر مبنای اشاعه تشکیل شود و شغل معمولی خود را انجام عمل تجاری قرار دهد، آن شرکت تجاری است (همان: ۵۸)؛ لذا «عدم شناسایی شخصیت حقوقی آن، به این دلیل که ثبت نشده، مجال می‌نماید؛ زیرا تکلیف شرکتی که ایجاد شده و قراردادی که مبنای آن قواعد و اصول حقوقی است نادیده گرفته می‌شود» (عاشوری و چراغی، ۱۳۹۵: ۱۴۶). به نظر می‌رسد مطابق ماده ۲۲۰ قانون تجارت در شرکت عملی اولاً شرکا باید قصد تشکیل شرکت تجاری داشته باشند؛ بنابراین، شرکت مدنی از شمول ماده ۲۲۰ خارج می‌گردد، ثانیاً اشتغال به امور تجاری الزامی است، ثالثاً در قالب یکی از شرکت‌های مندرج در ماده ۲۰ در نیامده باشد؛ بنابراین، واجد شخصیت حقوقی دانستن چنین شرکتی صرف نظر از مشکلات حقوقی که به همراه خواهد داشت با تعریف تاجر و اوصاف شخص حقوقی هم‌خوانی ندارد و از شمول قواعد تجزیه نیز خارج خواهد بود.

### مفهوم هم‌نوعی شرکت و آثار مرتب بر آن

اگر قالب‌های قانونی دو شرکت از یک نوع باشند، اصطلاحاً؛ به دو شرکت مذکور شرکت‌های هم‌نوع گفته می‌شود. اعم از اینکه، از حیث موضوع فعالیت؛ متفاوت بوده یا نباشند؛ بنابراین بحث هم‌نوعی در شرکت‌های عملی و مؤسسات تجاری و غیرتجاری مطرح نمی‌شود. به عبارتی، وقتی بحث از تجزیه شرکت به شرکت هم‌نوع می‌شود؛ منظور، آن است که قالب یکی از شرکت‌های مندرج در ماده ۲۰ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ یا ماده ۱۴۳ لایحه ۱۳۹۱ به شکل و قالب دیگر مندرج در آن ماده تغییر یابد؛ البته تغییر شکل و قالب شرکت‌ها، صرفاً یک امر تشریفاتی نیست؛ بلکه، آثار و تبعات حقوقی گوناگونی

۱۳۱۱ قانون قبلی نسخ شد. باب سوم، ماده ۲۰ به شرکت‌های تجاری اختصاص یافت. ماده مذکور شرکت‌های تجاری را به هفت قسم تقسیم نمود.<sup>۱</sup> در این قانون، شرکت نسبی جایگزین شرکت ضمانتی (موضوع مواد ۶۷ تا ۸۴ قانون سابق) شد و شرکت تضامنی نیز به‌موجب بند ۳ ماده ۲۰ به رسمیت شناخته شد و در ماده ۵۸۳ صریحاً شخصیت حقوقی برای شرکت‌های مذکور قائل شده است. ماده ۱۴۳ لایحه ۱۳۹۱ یازده نوع شرکت را مورد شمارش قرار داده است.<sup>۲</sup>

### از منظر رویه

علاوه بر تقسیم‌بندی قانونی، حقوقدانان نیز شرکت‌ها را حسب دارا بودن شخصیت حقوقی، مسئولیت اعضاء و سابقه ثبتی و نوع فعالیت و غیره به دسته‌های متفاوت تقسیم می‌نمایند. از آنجا که برای تشخیص هم‌نوعی شرکت‌های موضوع تجزیه نیاز به شناسایی انواع شرکت‌ها داریم که ذیلاً به همان اشاره می‌نماییم. شرکت‌های مدنی و تجاری: شرکت‌های مدنی و تجاری در قوانین مورد تعریف قرار نگرفته‌اند. «در ماده ۵۷۱ قانون مدنی صرفاً به آثار شرکت مدنی اشاره شده است» (سید احمدی سجادی، ۱۳۷۸: ۱۳۶) در تعریف حقوقدانان از شرکت مدنی آمده است «شرکت مدنی عقودی است که به‌موجب آن هر یک از اطراف معامله مقداری مال خود را به شرکت می‌گذارد و در مجموع آنها پس از مزج هر یک نسبت به سهم‌الشرکه خود به نحو اشاعه مالک می‌شود» (تفرشی، ۱۳۷۹: ۳۹). «برخی موضوع معامله را وجه تمایز شرکت مدنی از تجاری اعلان نموده‌اند» (خلعت بری، ۱۳۱۲: ۷۸). برخی دیگر، به استناد مواد ۲ و ۲۰ لایحه ۱۳۴۷ شکل و قالب را وجه ممیزه اعلام می‌نمایند؛ زیرا عملیات شرکت سهامی حتی اگر بازرگانی هم نباشد؛ تجاری محسوب می‌شود (ستوده تهرانی، ۱۳۸۸: ۱۵۶). برخی دیگر نیز صرف مطابقت صورت را با ماده ۲۰ قانون تجارت کافی ندانسته، انجام عملیات بازرگانی را توأمان شرط می‌دانند (صقری، ۱۳۴۳: ۱۱۷). به عبارتی، انجام کار بازرگانی توسط شرکت موضوع ماده ۲۰ قانون تجارت ملاک عمل می‌باشد (کاتوزیان، ۱۳۷۳: ۲۵)؛ اما آنچه مهم است، این است که در شرکت مدنی شرکا در تشکیل آن قصد تجزیه دارایی خود، استفاده از عنصر شخصیت حقوقی و در نتیجه ایجاد شخص حقوقی ندارند؛ البته در خصوص زمان ایجاد شخصیت حقوقی در شرکت تجاری سه نظریه ارائه گردیده‌اند که عبارت‌اند از «تشکیل عملی بدون نیاز به ثبت، معیار ثبت و تشکیل عملی به‌اضافه ثبت به‌عنوان عنصر تکمیل‌کننده» (پاسبان، ۱۳۸۹: ۲۶). در ادامه به توضیح این سه نظریه می‌پردازیم. الف) اقدام عملی ملاک تشکیل و ایجاد شخصیت حقوقی: برخی معتقدند طبق قانون تجارت و لایحه ۱۳۴۷ شرکت تجاری بدون نیاز به ثبت، بلکه؛ تنها با اقدام عملی دارای شخصیت حقوقی می‌شود و ثبت شرکت را به‌مثابه

۱. ماده ۲۰- شرکت‌های تجاری بر هفت قسم است: ۱- شرکت سهامی ۲- شرکت با مسئولیت محدود ۳- شرکت تضامنی ۴- شرکت مختلط غیر سهامی ۵- شرکت مختلط سهامی ۶- شرکت نسبی ۷- شرکت تعاونی تولید و مصرف

۲. ماده ۱۴۳- شرکت تجاری یازده نوع است: ۱- سهامی عام ۲- سهامی خاص ۳- مسئولیت محدود ۴- تضامنی ۵- نسبی ۶- مختلط سهامی عام ۷- مختلط سهامی خاص ۸- مختلط غیر سهامی ۹- تعاونی سهامی عام ۱۰- تعاونی سهامی خاص ۱۱- تعاونی غیرسهامی

نمایند؛ اما ممکن است پس از گذر زمان به این نتیجه برسند که انتخاب آنها اشتباه بوده یا به منظور ارتقاء و بهره‌مندی از سود بیشتر مجبور به تغییر نوع شرکت شوند. از آنجا که انحلال شرکت و ثبت شرکت جدید، روندی زمان‌بر و پرهزینه است، تبدیل شرکت (تغییر نوع شرکت) نهادی به‌روز و پرفایده است. بدیهی است که اقدام به تبدیل صرفاً با یک تصمیم محقق نخواهد شد؛ زیرا حسب مورد ممکن است، نیاز به افزایش سرمایه، تعداد اعضاء یا تغییر اساسنامه باشد. قانونگذار، در قانون تجارت و لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت، قاعده کلی در مورد تبدیل نوع شرکت پیش‌بینی نکرده است. اگرچه در مواد متفرقه از قبیل ۱۳۵، ۱۸۹ ق ت جواز تبدیل شرکت‌های تضامنی و نسبی به سهامی و در ماده ۲۷۸ ل ا ق ت جواز تبدیل شرکت سهامی خاص به عام را پیش‌بینی کرده است. به عبارتی، صرفاً به سه نوع تغییر غیر هم‌نوع اشاره نموده است و در ماده ۵ ل ا ق ت نیز به تبدیل نیمه‌اجباری اشاره شده است. به موجب ماده مذکور، هرگاه سرمایه شرکت‌های سهامی خاص یا عام بعد از تأسیس از حداقل مقرر قانونی (پنج میلیون ریال و یک میلیون ریال) کمتر شود، باید ظرف یک سال نسبت به افزایش سرمایه تا میزان حداقل مقرر اقدام نموده یا شرکت به نوع دیگری از انواع شرکت‌های تجاری مذکور در قانون تجارت تبدیل و تغییر شکل یابد. ضمانت اجرای تخلف از تکلیف فوق این است که در غیر این صورت هر ذی‌نفعی می‌تواند انحلال شرکت را از دادگاه صلاحیت‌دار درخواست کند. قانونگذار به‌جز موارد فوق‌الذکر، در مورد تبدیل سایر شرکت‌ها اعم از هم‌نوع یا غیر هم‌نوع و همچنین وضعیت حقوقی ناشی از تبدیل شرکت‌ها و تبدیل شرکت به مؤسسه یا بالعکس هیچ‌گونه مقرره‌ای وضع ننموده است. بر همین اساس، اختلاف نظر بین حقوقدانان وجود دارد. برخی از حقوقدانان یکی از امتیازات تبدیل نسبت به سایر تغییر وضعیت‌ها را بقاء شخصیت حقوقی شرکت اعلام می‌نمایند (اسکینی، ۱۳۸۷: ۵۲). بر همین اساس اعتقاد دارند «با تبدیل نوع شرکت، شخصیت حقوقی شرکت از بین نرفته و شرکتی که تبدیل شده است، کارهای شرکت سابق را ادامه می‌دهد، بدون آنکه وقفه‌ای حاصل گردد و تنها مزیت آن بر انحلال و تشکیل شرکت دیگران است که تشریفات ثبت و پرداخت حق‌الثبت مجدد دیگری پیدا نمی‌کند» (ستوده، ۱۳۷۶: ۲۴۵). با توجه به مراتب فوق، این گروه عقیده دارند شخصیت حقوقی سابق از بین نمی‌رود و شخصیت حقوقی جدیدی به وجود نمی‌آید؛ بلکه در شکل و قالب حقوقی جدید به فعالیت می‌پردازد (سماواتی، ۱۳۹۱: ۲۸۵). برخی دیگر با توسل به ترجمه لغوی تبدیل، معتقدند شخصیت حقوقی محو می‌شود (خرزائی، ۱۳۸۵: ۵۶)؛ زیرا با تغییر وضعیت شرکت، شخصیت حقوقی سابق از بین می‌رود. «بر اساس استدلال این گروه، فی‌الواقع؛ هیچ‌گونه تبدیلی انجام نشده است؛ بلکه شرکتی منحل و شرکای آن اقدام به تشکیل شرکت جدیدی نموده‌اند» (صاحبی پسندیده و پورحسین، ۱۳۹۵: ۴). بر مبنای این نظر، می‌توان گفت؛ شرکت سهامی عام خارج از شرایط اضطراری ماده ۵ لایحه ۱۳۴۷، قابل تبدیل به هیچ شرکتی نیست؛ زیرا مقررات این شرکت با قواعد آمره و ضمانت اجرای مدنی و کیفری قانونگذار حمایت می‌شود. رأی اصراری شماره ۳۵۳/۱۹/۶۰۱ دیوان عالی کشور تبدیل شرکت را موجب زوال شرکت دانسته، چون مقرر داشته

را به دنبال خواهد داشت. در تبدیل شرکت نیز قالب و شکل شرکت‌ها تغییر پیدا می‌کند، با این تفاوت که «در تبدیل شرکت، قالب و شکل شرکت، بدون از بین بردن شخصیت حقوقی آن و بدون اینکه شخصیت حقوقی جدیدی ایجاد شود، به نوع دیگری تغییر داده می‌شود؛ مثلاً شرکت سهامی خاص به عام و تضامنی به نسبی و ... تغییر یابد» (دمرچیلی، ۱۳۸۰: ۲۶۷). عدم هم‌نوعی شرکت‌های تجاری، سبب تفاوت‌های اساسی در آثار خواهد شد. از جمله این تفاوت‌ها ۱- چگونگی نقل و انتقال دارایی می‌باشد. در شرکت‌های اشخاص، مانند تضامنی و با مسئولیت محدود دارایی به‌صورت سهم‌الشرکه در می‌آید و اصل بر عدم قابلیت انتقال است، مگر در صورت حصول شرایط مقرر در اساسنامه. در حالی که در شرکت‌های سرمایه، دارایی به شکل سهم می‌باشد. حتی در شرکت‌هایی که دارایی در آنها به شکل سهام می‌باشد، باز با توجه به قالب‌های بیان شده اختلاف‌های اساسی بین آنها وجود دارد. مثلاً، در شرکت سهامی عام، اصل بر آزادی انتقال سهام و عدم ایجاد محدودیت است. به نحوی که در شرکت‌های اخیرالذکر، حتی مجامع و هیئت مدیره نمی‌توانند در انتقال سهام محدودیت ایجاد نمایند. ایجاد محدودیت از طریق درج در اساسنامه نیز ممنوع می‌باشد؛ اما در شرکت سهامی خاص با وجود پذیرش اصل آزادی انتقال سهام، ایجاد محدودیت در انتقال پذیرفته شده است. علاوه بر این، انتقال سهام با نام تشریفات ویژه‌ای دارد که در صورت عدم رعایت، انتقال صحیح نمی‌باشد و رعایت تشریفات، باعث می‌شود که انتقال در برابر شرکت و اشخاص ثالث قابلیت استناد داشته باشد؛ ولی انتقال سهام بی‌نام بدون تشریفات و با قبض و اقباض صورت می‌گیرد (رهایبی، ۱۳۹۶: ۱۷۵). از طرفی، تنها در شرکت با مسئولیت محدود انتقال سهم‌الشرکه نیازمند تنظیم سند رسمی می‌باشد. در شرکت تضامنی برای انتقال سهم‌الشرکه رضایت تمام شرکا الزامی است؛ اما در شرکت با مسئولیت محدود رضایت عده‌ای از شرکا که لااقل سه چهارم سرمایه را داشته باشند و در اکثریت عددی باشند الزامی است. ۲- مسئولیت اعضاء و سهام‌داران می‌باشد. شرکت‌های مختلط سهامی، از یک عده شریک سهامی و یک عده شریک ضامن تشکیل می‌شود. مسئولیت شرکا ضامن مطلق و نامحدود است و سرمایه نقدی به شرکت نمی‌آورند؛ بلکه، سرمایه آنها به‌صورت کار یا صنعت است و سود آنها به‌صورت درصد تعیین می‌شود؛ اما شرکایی که صاحب سهم هستند، مسئولیتشان به میزان سهم می‌باشد (صفی‌نیا، ۱۳۸۱: ۲۵۴). صرف‌نظر از دو خصیصه مذکور، شرکت‌های غیرهم‌نوع از جهات نوع و میزان آورده به شرکت، تعداد شرکا و موضوع شرکت و... ممکن است، متفاوت باشند. همان‌گونه که سابقاً گفته شد، در تبدیل تعهد بدون آنکه شخصیت حقوقی شرکت از بین برود قالب شرکت تغییر می‌یابد؛ بنابراین قبل از بررسی تفصیلی موضع لایحه ۱۳۹۱ راجع به هم‌نوعی شرکت جدیدالتأسیس به‌دو/ به بررسی تغییر قالب شرکت در تبدیل شرکت‌ها بر مبنای قانون تجارت ۱۳۱۱ می‌پردازیم.

### تجویز تغییر نوع شرکت (تبدیل) بر مبنای قانون تجارت ۱۳۱۱

هر چند مؤسسين در زمان تأسیس شرکت‌ها درصد هستند، بهترین نوع شرکت را که با هدف آنها هم‌خوانی دارد را ایجاد

تصویب قانون مزبور را به هر نوع شرکت تجویز می‌کند، امکان تبدیل شرکت با رعایت شرایط قانونی امکان پذیر می‌باشد» (اسکینی، ۱۳۸۷: ۲۴۵). ثالثاً انتقال دارایی و تعهدات به شرکت بعد از تبدیل مستلزم بقای شخصیت حقوقی است. رابعاً به استناد قسمت ذیل ماده ۵ لایحه مذکور باید قائل بر آن باشیم که مجمع عمومی فوق‌العاده صاحبان سهام (خارج از قاعده مندرج در صدر ماده ۵ لایحه ۱۳۴۷) به‌طور اختیاری نیز به استناد قسمت ذیل ماده مذکور می‌تواند با رعایت مقررات قانونی به تغییر نوع شرکت اقدام نماید؛ رویه عملی نیز به شکل اخیر تغییر یافته است. هیئت وزیران، امکان تبدیل انواع شرکت‌های تجاری موضوع ماده ۲۰ قانون تجارت به یکدیگر را با الحاق یک ماده به نظام‌نامه اجرای قانون ثبت شرکت‌ها (پس از تصویب هشتاد و هفتمین نشست شورای گفت و گوی دولت و بخش خصوصی در ۱۴ مردادماه) در ۱۵ مهرماه ۱۳۹۸ تصویب نموده‌اند. البته مقرر گردید دستورالعمل نحوه تبدیل این شرکت‌ها به یکدیگر، ظرف سه ماه توسط معاونت حقوقی رئیس‌جمهور و با همکاری وزارت امور اقتصاد و دارایی و سازمان ثبت اسناد و املاک کشور تهیه گردد.

### موضوع لایحه جدید قانون تجارت در خصوص تغییر نوع شرکت هنگام تجزیه

تجزیه کلی، سبب محو شخصیت حقوقی می‌شود «محو شخصیت حقوقی شرکت تجزیه شده، به‌منزله فوت آن است همان‌گونه که با فوت شخص حقیقی، دارایی و تعهدات (البته با شرایط مقرر در قانون) به وراثت منتقل می‌شود. در تجزیه کلی نیز دارایی و تعهدات به شرکت‌های بازمانده یا جدیدالتأسیس انتقال می‌یابد» (آقاخان، ۱۳۹۳: ۱۱۹)؛ البته انحلال و محو شخصیت حقوقی بر خلاف قوانین سابق بدون تصفیه صورت می‌گیرد (ماده ۶۰۶ لایحه جدید) و از آنجا که در این‌گونه تجزیه حداقل دو شرکت جدیدالتأسیس بدون رعایت دقیق تشریفات ثبتی یا به عرصه حیات خواهند گذاشت، قانونگذار تکلیف نموده تا طرح تجزیه توسط مدیران، تهیه و تنظیم، سپس توسط اشخاص اخیر تصویب و پس از طی تشریفات، در مجمع عمومی فوق‌العاده مطرح و به تصویب برسد. قانونگذار در ماده ۵۹۹ لایحه جدید به هجده مورد از مواردی که در طرح تجزیه و ادغام باید ذکر گردد، از جمله طرح اساسنامه شرکت جدید، نحوه تقسیم اموال و مطالبات بین شرکت‌های جدید و یا بازمانده در تجزیه و تعیین تکلیف در مورد مسئول تأدیه دیون و ایفای تعهدات و همچنین با وجود الزامی دانستن ذکر نوع تجزیه، اشاره‌ای به این موضوع ندارد که آیا شرکت‌های جدیدالتأسیس باید از نوع شرکت تجزیه شده باشند یا خیر. در صدر ماده ۵۹۷ لایحه جدید قانون تجارت، تجزیه کلی یا جزئی در شرکت تعاونی سهامی خاص و تعاونی غیرسهامی فقط با شرکت هم نوع خود مجاز شمرده شده است. به این معنی که حاصل تجزیه شرکت تعاونی سهامی خاص الزاماً باید شرکت تعاونی سهامی خاص و نتیجه تجزیه شرکت تعاونی غیرسهامی فقط باید ایجاد شرکت‌های جدیدالتأسیس از نوع شرکت‌های تعاونی غیرسهامی باشد. قانونگذار شرکت‌های تعاونی اعم از سهامی و غیرسهامی را موضوع حکم خاص قرار داده است. شرکت‌های تعاونی، شرکت‌هایی هستند که تمام یا حداقل ۵۱ درصد سرمایه توسط شرکا، تأمین می‌شود. در شرکت

است «اگر شرکت نسبی به شرکت با مسئولیت محدود تغییر یابد، نمی‌توان شرکت اخیر را قائم مقام شرکت اولی دانست» (کیهان، ۱۳۵۳: ۴۰۰-۳۳۶). با توجه به مطالب فوق، برخی حقوقدانان، تبدیل شرکت را در صورت وجود دو شرط قابل اعمال می‌دانند. الف) تبدیل شرکت باید به تصویب شرکا برسد، جز در موارد استثنائی مثل ماده ۲۷۸ ل ا ق ت که تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده با رعایت اکثریت قانونیان مرجع را کافی دانسته است. برای تبدیل شرکت، رضایت تمام شرکا ضروری است؛ چون این امر از مواردی است که سبب سنگین تر شدن تعهدات شرکا است؛ بنابراین مستلزم رضایت تمام شرکا است (ستوده، ۱۳۷۶: ۲۴۵)

ب) به استناد مواد ۱۳۵ ق ت و ۲۷۸ ل ا ق ت شرایط لازم قالب قانونی شرکت جدید بایستی رعایت شود. در ماده ۵ لایحه اصلاحی ۱۳۴۷ آمده است:

... یا شرکت به نوع دیگری از انواع شرکت‌های مذکور در قانون تجارت تغییر شکل یابد...؛ بنابراین وقتی سخن از تبدیل نوع شرکت می‌شود، منظور همان تبدیل شرکت از قالبی به یکی از قالب‌های موجود در ماده ۲۰ قانون تجارت می‌باشد. حقوقدانان مذکور در خصوص تبدیل شرکت، به‌طور صریح مطلبی در خصوص تبدیل غیر هم نوع بیان نکرده‌اند و آنچه مد نظر قرار گرفته این است که آیا تبدیل فقط در محدوده مواد ۱۳۵، ۱۸۹، ۲۷۸ و ۲۷۸ قانون مذکور صورت می‌گیرد یا با وحدت ملاک امکان تبدیل هم نوع در سایر شرکت‌ها وجود دارد. رویه عملی نیز محدود به همین امر می‌باشد. بخشنامه ذیل به‌وضوح گویای همین امر است.

بخشنامه ۱۳۳۲۶۵/۹۲ مورخ ۹۲/۸/۴ راجع به تبدیل انواع شرکت‌های تجاری

مدیر کل ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری نیز طی بخشنامه ۱۳۳۲۶۵/۹۲ مورخه ۹۲/۸/۴ راجع به تبدیل انواع شرکت مقرر داشت: با عنایت به طرح موضوع در کارگروه استانداردسازی سازمان و تصمیم متخذه به شماره ۹۲/۸۱۱۸۷ مورخه ۱۳۹۲/۵/۷ هرگونه درخواست ثبت تأسیس و تغییرات انواع شخصیت حقوقی در حوزه ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری، مستلزم تصریح در قوانین و مقررات می‌باشد...؛ در عین حال، با توجه به اینکه صرفاً همین تبدیل انواع شرکت‌ها در قوانین مربوطه پیش‌بینی شده است؛ لذا مرجع ثبتی می‌تواند با بررسی دقیق درخواست‌ها نسبت به اجرای این تبدیل‌ها وفق مقررات اقدام نمایند و در خصوص سایر تبدیل انواع شرکت‌های تجاری مستلزم اصلاح یا وصول قوانین و یا ابلاغ تکالیف از سوی مبادی ذیصلاح خواهد بود. تبدیل شرکت سهامی عام به انواع شرکت‌ها (ماده ۵ لایحه اصلاحی قانون تجارت) تبدیل شرکت سهامی خاص به سهامی عام (موضوع مواد ۲۷۸ تا ۲۸۳ لایحه اصلاحی قانون تجارت) تبدیل شرکت تضامنی به سهامی در نقد نظر دیوان و بخشنامه مذکور و در تحلیل نظرات حقوقدانان باید بر آن بود که با توجه به اینکه اولاً چون قانونگذار این امر را منع نکرده است؛ لذا با توجه به اصل اباحه و اعتبار اعمال حقوقی باید قائل به مجاز دانستن آن باشیم. حداقل اینکه چنان‌که موضوع تبدیل، به‌اتفاق نظر کلیه شرکا یا سهامداران باشد، دلیل قانونی بر بی‌اعتباری آن وجود ندارد. ثانیاً «با وحدت ملاک ماده ۲۸۴ ل ا ق ت که تبدیل شرکت‌های سهامی موجود در زمان

شونده) چیزی استنباط نمی‌شود» (همان: ۱۱۸) بسنده نموده‌اند. با توجه به کلی و مبهم بودن ماده ۵۹۷ لایحه ۱۳۹۱ و نظر به عدم سوابق تقنینی و با لحاظ قرار دادن نو و بدیع بودن موضوع و اینکه بالطبع کمتر مورد تجزیه و تحلیل حقوقدانان قرار گرفته است، سه فرض می‌توان متصور شد.

### فرض‌های لزوم یا عدم لزوم هم‌نوعی شرکت‌ها لزوم هم‌نوعی در کلیه شرکت‌ها:

با توجه به اینکه تدوین‌کنندگان لایحه در ماده ۸۲۱ لایحه ۱۳۸۴ این مسئله را پیش‌بینی و مقرر نموده بودند «هر شرکت تجاری، تنها به شرکت‌های از نوع خود قابل تجزیه می‌باشد؛ بنابراین باید گفت «تجزیه فقط می‌تواند به شرکت‌های هم‌نوع خود صورت گیرد؛ ولی اگر ادغام یک‌جانبه مطمح نظر باشد، ممنوعیت مندرج در ماده ۸۰۷ پابرجا می‌باشد» (آقاخان، ۱۳۹۳: ۱۳۱). بر همین اساس گفته شده است «هر شرکت تجاری، تنها به شرکت‌های از نوع خود قابل تجزیه می‌باشند، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس باید قبل از تجزیه موافقت بورس را برای تجزیه اخذ نمایند» (بیکو حبیب‌آبادی، ۱۳۸۹: ۲۴). با توجه به قواعد حاکم بر هر یک از انواع شرکت‌ها، تفاوت در میزان مسئولیت و تعداد اعضا و تفاوت در ارکان تصمیم‌گیری شرکت‌ها، امکان تغییر شرکت به غیر هم‌نوع وجود ندارد. از همین روی، اشاره قانونگذار به دو شرکت مندرج در ماده ۵۹۷ لایحه جدید را می‌توان از باب تأکید و تمثیل دانست؛ زیرا فلسفه ممنوعیت مذکور که جلوگیری از لطمه زدن به حقوق شرکا و طلبکاران است، در سایر تغییر شرکت‌ها نیز قابل تصور می‌باشد. همچنین، با لحاظ قرار دادن موضع قانون تجارت در خصوص تبدیل شرکت‌ها و نظر کمیسیون حقوق تجارت و رویه عملی در ادارات ثبت، به شرح سابق‌الذکر که تبدیل شرکت‌ها را فقط در موارد منصوص پذیرفته‌اند، باید اصل را بر لزوم هم‌نوعی شرکت‌ها قرار داد. به‌اضافه، اگر نظر تدوین‌کنندگان بر عدم لزوم هم‌نوعی شرکت‌ها بود، می‌بایستی به نحو مفصل و مشروح چگونگی تغییرات برای تطبیق شرکت‌های جدیدالتأسیس با شرکت تجزیه‌شونده مراتب مورد پیش‌بینی قرار می‌گرفت. به‌عنوان مثال، اگر قرار باشد با تجزیه شرکت با مسئولیت محدود، چند شرکت سهامی عام ایجاد شود؛ لازم بود در خصوص ازدیاد اعضا و افزایش سرمایه تا نصاب لازم، چگونگی تغییر سهم‌الشرکه به سهام و... تعیین تکلیف می‌شد؛ بنابراین، می‌توان عدم ذکر جزئیات را قرینه بر لزوم هم‌نوعی شرکت‌ها دانست. در برخی کشورها از جمله استرالیا شرکت‌ها فقط به همان نوعی که قانونگذار تعیین کرده است، می‌توانند تبدیل شوند (ایزدی، ۱۳۹۲: ۱)؛ البته پذیرش این نظریه با فلسفه قواعد تجاری که به دنبال به روزآمدی و تسریع و هماهنگی با تحولات اجتماعی است در تعارض است.

### عدم لزوم هم‌نوعی مگر در شرکت‌های تعاونی سهامی و غیرسهامی:

با توجه به ماهیت قراردادی تجزیه، اصل آزادی قراردادهای، عدم منع صریح تدوین‌کنندگان با وجود اینکه در مقام بیان بوده‌اند و نظر به اینکه در ماده ۵۹۷ لایحه جدید، آنچه قانونگذار به‌عنوان استثناء بیان نموده است، صرفاً اختصاص به دو شرکت یعنی شرکت تعاونی سهامی خاص و تعاونی غیر سهامی دارد؛ بنابراین

تعاونی تنها اشخاص حقیقی می‌توانند عضو شوند. در اداره این شرکت‌ها حتماً باید مقررات قانونی بخش تعاون رعایت گردد. در خصوص تبدیل شرکت تعاونی به شرکت سهامی صحبتی در قانون تجارت و قانون شرکت‌های تعاونی نشده است؛ البته باید دانست که شرکت تعاونی می‌تواند به صورت سهامی و با مسئولیت محدود تشکیل شود. این امر با تبدیل شرکت تعاونی به شرکت سهامی کاملاً متفاوت است. شرکت تعاونی و شرکت سهامی از جهات شرکای شرکت، اهداف شرکت، میزان سرمایه، تعداد شرکا، سرمایه تعهد شده، نوع سهام و مالیات متفاوت می‌باشند. کمیسیون مشورتی حقوق تجارت اداره حقوقی وزارت دادگستری، در مورخ ۱۳۵۳/۱۲/۱۴ تبدیل شرکت تعاونی به سهامی خاص را به این دلیل که سلب مزایای تعاونی به استناد مواد ۱۲۱ تا ۱۲۴ قانون شرکت تعاونی‌ها از موارد انحلال شرکت است، آن را ممنوع اعلام نموده است. برخلاف قانون تجارت و قانون شرکت‌های تعاونی، لایحه ۱۳۹۱ به صراحت مقرر نموده است، شرکت‌های تعاونی سهامی و غیرسهامی فقط در قالب‌های خود قابل تجزیه می‌باشند. به عبارتی، در لایحه مذکور، برخلاف قانون تجارت که صرفاً به سه نوع تغییر غیر هم‌نوع اشاره نموده بود، صرفاً تبدیل هم‌نوع دو شرکت را موضوع حکم قرار داده است «یعنی شرکت‌هایی که از یک سیستم هم‌گونه تشکیل شده‌اند و دارای شرایط و ضوابط هم‌نوع خود هستند» (حیدری خالص، ۱۳۹۲: ۱۱۷). قید مذکور در خصوص دو شرکت فوق با توجه به تأمین تمام سرمایه توسط مؤسسين، تقسیم سرمایه به سهام و مسئولیت به میزان آورده در شرکت سهامی خاص و غیرقابل تقسیم بودن سرمایه به سهام یا هر نوع اوراق بهادار و سقف مشخص قانونی میزان سهم‌الشرکه و اطلاق عضو به شریک در شرکت تعاونی غیرسهامی امری منطقی به نظر می‌رسد؛ زیرا ضوابط و شرایط تشکیل این‌گونه شرکت‌ها باهم متفاوت بوده و قابل تجزیه بودن هر یک از این شرکت‌ها به شرکت دیگر یا سایر شرکت‌های موضوع ماده ۱۴۳ لایحه جدید تغییر در میزان مسئولیت ایجاد می‌کند که از نظر اصولی خلاف قصد سهام‌داران و سهم‌الشرکه‌داران بوده و مخالف قواعد آمره حقوق تجارت می‌باشد. هم‌نوع بودن شرکت در این دو نوع تغییر باعث می‌شود تا از حقوق صاحبان سهام و سرمایه حمایت شود؛ اما مشخص نیست که چرا با وجودی که قانونگذار در مقام بیان بوده نسبت به موارد سابق‌الذکر سکوت اختیار نموده است؛ زیرا قسمت دوم ماده ۵۹۷ لایحه ۱۳۹۱ صرفاً به امکان ادغام سایر انواع شرکت‌ها اختصاص یافته و در خصوص تجزیه موضوع را به سکوت برگزار نموده است. سکوت قانونگذار در خصوص سایر شرکت‌ها با توجه به اینکه از یک طرف در مقام بیان بوده و از طرف دیگر لزوم هم‌نوعی را فقط در مورد دو شرکت سابق‌الذکر پذیرفته است، این احتمال را تقویت می‌کند که در تجزیه سایر شرکت‌ها لزومی به هم‌نوعی شرکت وجود ندارد؛ زیرا در غیر این صورت اختصاص حکم ویژه برای دو شرکت درحالی‌که سایر شرکت‌ها نیز تابع همان حکم باشند؛ امری خلاف منطوق به نظر می‌رسد. مگر اینکه وضع ماده مذکور را از باب تأکید بدانیم که امری بعید به نظر می‌رسد. بر همین مبنا، برخی از حقوقدانان بدون تجزیه و تحلیل و بررسی سوابق امر صرفاً به بیان این مطلب که «از سایر مواد بحث ادغام و تجزیه (راجع به لزوم یا عدم لزوم هم‌نوعی شرکت‌های جدیدالتأسیس با شرکت تجزیه

از آنکه طرح تجزیه توسط مدیران شرکت تعاونی غیرسهامی بر اساس ماده ۵۹۸ لایحه تهیه و تصویب شد، باید به تصویب وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی برسد. این امر حکایت از آن دارد که قانونگذار بنا به مطالب پیش گفته؛ خواسته است حکم ویژه‌ای نسبت به این دو شرکت حاکم نماید. به هر حال، تسری حکم مذکور به کلیه شرکت‌ها خلاف منظور تدوین کنندگان بوده است. مهم‌تر اینکه، اگر منظور تدوین کنندگان لایحه، لزوم هم‌نوعی شرکت‌ها بوده است، با توجه به سابقه امر، همچون ماده ۸۲۱ لایحه ۱۳۸۴ به طور صریح می‌بایستی به امر اشاره می‌شد؛ البته، پذیرش این نظریه، با توجه به سکوت قانونگذار و عدم بیان آثار و نتایج این‌گونه تغییر ممکن است آثار سویی به همراه داشته باشد.

**اعمال قواعد تبدیل شرکت بر تغییر شرکت در تجزیه کلی:**  
مطابق این نظریه، چون قانونگذار، موضوع تبدیل شرکت‌ها را به طور مفصل در مواد ۶۱۷ الی ۶۳۱ لایحه جدید بیان نموده است؛ بنابراین؛ نیازی به ذکر مجدد آن در موضوع تجزیه احساس نموده است؛ به عبارت دیگر، هنگام تجزیه، مقررات راجع به تبدیل لازم‌الرعایه می‌باشد. ماده ۶۱۹ لایحه ۱۳۹۱ و الزام به تنظیم صورت مالی در تبدیل شرکت‌ها مطابق آنچه در تجزیه حکم شده است، این نظر را تقویت می‌کند؛ اما این فرضیه صائب به نظر نمی‌رسد؛ زیرا تبدیل و تجزیه هر کدام نهاد مستقلی می‌باشند و هر یک الزامات مخصوص به خود دارند. به طور مثال، شرایط مندرج در ماده ۶۱۸ برای تبدیل شرکت با آنچه در ماده ۵۹۹ به بعد برای تجزیه مقرر شده است، هم‌خوانی ندارد. به علاوه، اگر این چنین بود قانونگذار می‌توانست با درج یک ماده یا تبصره تعیین تکلیف نماید؛ یعنی، نوع شرکت جدیدالتأسیس را تابع مقررات مربوط به تبدیل بیان می‌نمود و نیازی به اینکه حکم علی‌حده نسبت به دو شرکت وضع کند وجود نداشته است. هم چنین با توجه به ماده ۶۱۹ لایحه موارد تبعیت تبدیل از تجزیه احصاء شده و لزوم هم‌نوعی از آن موارد نمی‌باشد. همچنین ممکن است برخی از موضوعات اساسی مدنظر قانونگذار قرار نگرفته باشد. به عنوان مثال «در خصوص کاهش سرمایه، آیا مجمع عمومی فوق‌العاده می‌تواند مانند افزایش سرمایه، کاهش سرمایه را مجاز نموده و سپس اختیارات لازم را جهت تحقق کاهش سرمایه به هیئت مدیره واگذار کند یا خیر؛ که در لایحه اخیر پاسخی به مسئله داده نشده است؛ بنابراین ارجاع موضوع به تبدیل تعهد مشکلی را حل نخواهد کرد» (نکوئی، ۱۳۹۴: ۲).

### بحث و نتیجه‌گیری

در صورت وقوع تجزیه، چنانچه جزئی باشد، حداقل یک شرکت جدیدالتأسیس و در صورتی که کلی باشد، حداقل دو شرکت جدیدالتأسیس به وجود خواهد آمد. قالبی که شرکت جدید در آن مشغول به فعالیت خواهد شد در صورتی که هم‌نوع با شرکت تجزیه شده نباشد، مستلزم تغییرات اساسی در اساسنامه، موضوع و ارکان شرکت می‌باشد؛ زیرا آثار و پیامدهای ناشی از نوع شرکت ایجاد شده، نه تنها دامن‌گیر شرکت (شرکت جدیدالتأسیس در تجزیه کلی و شرکت تجزیه شونده و جدیدالتأسیس در تجزیه جزئی) می‌شود، بلکه بر شرکا و اشخاص ثالثی که قبل از تجزیه با شرکت رابطه حقوقی داشته‌اند نیز مؤثر واقع خواهد شد.

باید قائل بود که سایر تغییرات اعم از اینکه هم‌نوع و غیر هم‌نوع باشد، مجاز شمرده می‌شود. به عبارتی، قانونگذار تکلیف نموده تا این دو شرکت فقط به شرکت هم‌نوع خود تغییر یابند که نتیجه منطقیان مجاز بودن سایر شرکت‌ها در هر نوع تغییر می‌باشد؛ زیرا تغییر شرکت به غیر هم‌نوع «به شرکت‌های بیشتری قابلیت اعمال طرح ادغام و تجزیه را داده است» (حیدری خالص، ۱۳۹۲: ۱۲۷) و با اصل سرعت و سهولت در امر تجارت نیز هم‌خوانی دارد. به علاوه اگرچه ماده ۵۹۷ فقط در خصوص دو شرکت، هم‌نوع بودن را موضوع حکم قرار داده است؛ اما به طور ضمنی تجزیه شرکت تجزیه شونده به غیر هم‌نوع را پذیرفته است؛ زیرا به آثار تجزیه کلی دو شرکت تضامنی و مختلط به شرکت غیر هم‌نوع نیز بدون آنکه به اصل موضوع بپردازد، اشاره نموده است. ماده ۵۹۴ لایحه مقرر می‌دارد: مسئولیت شرکا ضامن با تجزیه از بین نمی‌رود و شرکا مذکور کماکان ضامن دیون شرکت تا پیش از تجزیه می‌باشند. برخی حقوقدانان در تفسیر ماده مذکور بیان داشته‌اند «قسمت اول ماده ۵۹۴ با قسمت آخر آن قابل جمع نبوده و قسمت اول آن اشتباه است؛ زیرا شرکای شرکت تجزیه شده، صرفاً تا قبل از تجزیه ضامن دیون شرکت تجزیه شده می‌باشند و پس از تجزیه، شرکت، شخصیت حقوقی خود را از دست داده و شرکت جدید مسئولیت آن را بر عهده می‌گیرد» (همان: ۱۲۷) تفسیر ماده به نحو فوق مواجه با اشکال می‌باشد؛ زیرا قانونگذار با وضع این ماده خواسته است از سوء استفاده اشخاصی که در قالب تجزیه کلی، نوع شرکت را از شرکت اشخاص به شرکت سرمایه تغییر می‌دهند، جلوگیری به عمل آورد. از این رو مقرر داشته است؛ چنانچه شرکت تضامنی یا مختلط در اثر تجزیه کلی از بین برود، مسئولیت شرکای ضامن در مقابل طلبکاران شرکت از بین نمی‌رود و در نتیجه طلبکاران مذکور می‌توانند برای وصول مطالبات خود به شرکت‌های جدید مراجعه نموده و در صورت عدم امکان پرداخت از سوی شرکت‌های مزبور و انحلال آنها، می‌توانند به شرکای ضامن مراجعه نمایند (مستفاد از مواد ۵۹۵ و ۶۱۰ لایحه جدید).<sup>۳</sup> به اضافه، لزوم هم‌نوعی شرکت‌های جدیدالتأسیس در شرکت‌های تعاونی سهامی و غیرسهامی مورد اشاره در ماده ۵۹۷ لایحه نمی‌تواند از باب تأکید و تمثیل باشد. مطابق ماده ۵۷۵ لایحه جدید، تصمیم درباره تجزیه شرکت تعاونی غیرسهامی پس از تأیید وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، معتبر است. انحلال یا تغییر موادی از اساسنامه شرکت تعاونی غیرسهامی که مغایر شروط و قراردادهای منعقد شده با منابع تأمین کننده اعتبار، کمک مالی، امکانات مختلف، سرمایه‌گذاری و مشارکت است، ممنوع می‌باشد؛ بنابراین، بعد

۳. ماده ۵۹۵- تشکیل شرکت جدیدی که در آن شریک ضامن وجود دارد از طریق ادغام یا تجزیه به رضایت تمام شرکا و یا سهامدارانی منوط است که قرار است، شریک ضامن شرکت جدید شوند. ماده ۶۱۰- شرکت‌های جدید در تجزیه کلی و ادغام مرکب و نیز شرکت بازمانده در ادغام ساده قائم مقام شرکت یا شرکت‌های منحل شده‌اند. شرکت جدید در ادغام مرکب و نیز شرکت بازمانده در ادغام ساده می‌توانند به قائم مقامی شرکت‌های منحل شده دعاوی آنها علیه اشخاص ثالث را پیگیری یا علیه اشخاص ثالث اقامه دعوی کنند. اشخاص ثالث نیز می‌توانند دعاوی خود علیه شرکت‌های منحل شده را علیه شرکت جدید یا بازمانده پیگیری یا مطرح کنند. در تجزیه کلی یا جزئی، اشخاص ثالث می‌توانند دعاوی خود علیه شرکت تجزیه شده را حسب مورد علیه هر یک از شرکت‌های جدید و یا بازمانده مطرح کنند. هر یک از شرکت‌های جدید در تجزیه کلی و هر یک از شرکت‌های بازمانده و جدید در تجزیه جزئی نیز به نحوی که مطالبات را در طرح مصوب تجزیه، بین خود تقسیم کرده‌اند می‌توانند علیه اشخاص ثالث اقامه دعوی کنند. مسئولیت شرکای ضامن با ادغام یا تجزیه از بین نمی‌رود.

اسلامی خوزستان.  
 خزائی، حسین (۱۳۸۵). *حقوق تجارت شرکت‌های تجاری*. جلد ۱. تهران: نشر قانون.  
 خلعت بری، امیر ارسلان (۱۳۱۲). *حقوق تجارت*. تهران: مطبعه اطلاعات.  
 دم‌چیلی، محمد؛ حاتمی، علی؛ قرائی، محسن (۱۳۸۰). *قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی*. تهران: انتشارات خلیج فارس.  
 دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۸). *لغتنامه*. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات تهران.  
 رهایی، مجید (۱۳۹۶). «بررسی نحوه انتقال سهام در شرکت‌های تجاری». *فصلنامه علمی - حقوقی قانون یار وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی*. دوره ۳. صص ۱۹۹-۱۷۵.  
 ساکت، محمدحسین (۱۳۸۶). *شخصیت و اهلیت در حقوق مدنی*. تهران: انتشارات جنگل.  
 ستوده، حسن (۱۳۷۵). *حقوق تجارت*. جلد ۲. تهران: انتشارات دادگستر.  
 ستوده تهرانی، حسن (۱۳۷۶). *تجارت ۲*. جلد ۲. تهران: انتشارات دادگستر.  
 ----- (۱۳۸۸). *حقوق تجارت*. جلد ۱. تهران: انتشارات دادگستر.  
 سماواتی، حشمت الله (۱۳۹۱). *بررسی و تحقیق پیرامون شرکت‌های تضامنی*. تهران: بنیاد حقوق ایران.  
 سید احمدی سجادی، سید علی (۱۳۷۸). «مقایسه شرکت مدنی و شرکت تجاری در حقوق ایران». *مجله مجتمع آموزش عالی قم*. شماره ۴. صص ۱۶۰-۱۳۶.  
 شایگان، علی (۱۳۴۳). *حقوق مدنی ایران*. چاپ سوم. تهران: چاپخانه مجلس.  
 صاحبی پسندیده، مهدی؛ علی پور حسن (۱۳۹۵). «آثار تبدیل شرکت در حقوق ایران». *کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین و مدیریت دانش در علوم انسانی*. صص ۲۵-۴.  
 صفی‌نیا، نورالدین (۱۳۸۱). *درآمدی بر قانون شرکت‌های تجاری در ایران*. جلد ۱. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.  
 صقری، منصور (۱۳۴۳). *حقوق تجارت*. تهران: بی‌جا.  
 صقری، محمد (۱۳۹۰). *حقوق بازرگانی شرکت‌ها*. تهران: شرکت سهامی انتشار.  
 طباطبایی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۷۳). *حقوق اداری*. جلد ۳. تهران: انتشارات سمت.  
 کاتبی، حسینقلی (۱۳۷۵). *حقوق تجارت*. تهران: کتابخانه گنج دانش.  
 کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۳). *حقوق مدنی، مشارکت‌ها، صلح*. تهران: کتابخانه گنج دانش.  
 عاشوری مهدی؛ چراغی، رضا (۱۳۹۵). «چالش‌های مالیاتی شرکت‌های عملی». *فصلنامه پژوهش مالیات*. صص ۱۳۷-۱۶۹.  
 عبادی، محمدعلی (۱۳۷۵). *حقوق تجارت*. تهران: کتابخانه گنج دانش.  
 عدل، مصطفی (۱۳۷۳). *حقوق مدنی*. قزوین: انتشارات بحرالعلوم.  
 نکوئی، مریم (۱۳۹۴). «کاهش سرمایه در شرکت سهامی با نگاهی بر لایحه ۱۳۹۱ سیویلیکا». *نخستین کنگره بین‌المللی ایران*. صص ۲.

رعایت اصل سرعت در تجارت و برداشتن موانع از پیش روی فعالان تجاری اقتضا دارد تا امکان تجزیه هر نوع شرکت به شرکت هم‌نوع مجاز شمرده شود. مصوبه هیئت وزیران تا آن حد که تأمین‌کننده نظر اخیر است، شایسته به نظر می‌رسد؛ اما از آنجا که تجزیه صرفاً با یک تصمیم ساده اجرایی نخواهد شد، لازم است جزئیات موضوع مورد پیش‌بینی قرار گیرد. تصویب لایحه به شکل جدید نه تنها امکان تجزیه را نسبت به اکثر شرکت‌ها در حاله‌ای از ابهام قرار می‌دهد؛ بلکه مقررهای راجع به چگونگی تجزیه نسبت به شرکت‌های مذکور در ماده ۵۹۷ ندارد. وضع لایحه به شکل موجود، قطعاً موجب تشتت رویه خواهد بود؛ زیرا تفسیر ماده ۵۹۷ به هر یک از اشکال مطروحه خالی از پشتوانه حقوقی نخواهد بود؛ بنابراین لازم است، برخلاف آنچه در قانون تجارت و لایحه ۱۳۴۷ اتفاق افتاده است، به‌طور صریح اتخاذ تصمیم گردد و از آنجا که در خصوص نهاد تجزیه گام‌های اول برداشته می‌شود و فاقد تجربه و پشتوانه عملی هستیم، تجزیه شرکت به شرکت‌های غیر هم‌نوع، اگرچه می‌تواند مزایای بی‌شماری داشته باشد، ممنوع اعلام گردد. به عبارتی، مطابق ماده ۸۲۱ لایحه پیشنهادی صرفاً تجزیه به شرکت‌های هم‌نوع مجاز شمرده شود؛ زیرا با ازدیاد شرکت‌ها از هفت نوع مندرج در قانون تجارت ۱۳۱۱ به یازده نوع مندرج در ماده ۱۴۳ لایحه ۱۳۹۱ از یک طرف و لزوم تغییرات اساسی در بسیاری موارد در صورت تجزیه غیر هم‌نوع با توجه به مطالب پیش گفته ممکن است، آثار سویی را به همراه داشته باشد و ضمانت اجرای تجزیه مؤسسات و شرکت‌های عملی، مسئولیت تضامنی اعضاء شرکت نسبت به دیون و تعهدات قبل از تجزیه اعلان گردد.

#### منابع

آرای مدنی. (۱۳۵۳). *مجموعه رویه قضائی آرای هیئت عمومی دیوان عالی کشور سال از ۱۳۲۸ تا سال ۱۳۴۲*. جلد دوم. چاپ دوم. بی‌جا.  
 آقاخان محلاتی، احمدرضا (۱۳۹۳). «تجزیه شرکت سهامی با تأکید بر لایحه جدید تجارت». *پایان نامه کارشناسی ارشد*. دانشگاه پردیس فارابی دانشگاه تهران.  
 اسکینی، ربیعا (۱۳۷۵). *حقوق تجارت*. جلد ۱. تهران: انتشارات سمت.  
 ----- (۱۳۸۷). *حقوق تجارت شرکت‌های تجاری*. جلد ۲. تهران: انتشارات سمت.  
 ایزدی، احسان (۱۳۹۲). «بررسی تبدیل شرکت‌های تجاری در ایران و استرالیا». *پایان نامه کارشناسی ارشد*. دانشگاه مفید قم.  
 بیکی حبیب آبادی، احمد (۱۳۸۰). «مطالعه تطبیقی ادغام شرکت‌های سهامی در حقوق ایران، آمریکا و انگلیس». *رساله دکتری*. تربیت مدرس.  
 پاسبان، محمدرضا (۱۳۸۹). «زمان پیدایش شخصیت حقوقی، فصلنامه پژوهش حقوق و سیاست». *مجله دانشگاه علامه طباطبایی*. شماره ۳۱. صص ۳۲-۲۶.  
 جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۶). *ترمینولوژی حقوق*. تهران: کتابخانه گنج دانش.  
 حیدری خالص، ابوالحسن (۱۳۹۲). «تحلیل و بررسی ادغام و تجزیه شرکت‌ها در لایحه جدید قانون تجارت و مقایسه آن با قوانین فعلی تجاری». *پایان نامه کارشناسی ارشد*. دانشگاه آزاد